



نقد و بررسی مبانی افراط گرایی و خشونت از منظر فقه اسلامی

آیدا تنهائی دیلمقانی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
(نویسنده مسئول)

Aydatanhae1360@gmail.com

یونس جبرائیلی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
Yuones.jabraili.1360.yuones@gmail.com

چکیده

یکی از مهم ترین پدیده های سرگرم کننده در سالیان اخیر، بازی های رایانه ای هستند که با سرعتی روزافزون جای خود را در میان کودکان و نوجوانان باز کرده اند و با بهره گیری از فناوری های نوین، هر روز بیش از پیش با زندگی کاربران عجین شده اند. مهم ترین نکته مورد بحث در مورد این بازی ها، محتوای خشونت آمیز آن هاست که می تواند کاربران را به نحو عمیقی تحت تأثیر قرار دهد و بازتاب های بیرونی ناهنجاری را موجب شود. البته رابطه نمایش خشونت با رفتار افراد به طور قطعی ثابت شده نیست و همین امر باعث شده است، شرکت های سازنده، هر چه بیشتر نسبت به تولید این بازی ها اقدام کنند. از این رو پژوهشگران باید با بررسی میزان تأثیرگذاری این قبیل خشونت ها بر جوانان، پیشنهادهای علمی و قانونی لازم را در این زمینه ارائه دهند. نتایج پژوهش ها می تواند در تولید و ساخت بازی های رایانه ای مؤثر باشد. خشونت و افراط با ظهور گروه های تروریستی و تکفیری چهره جدیدی به خود گرفته است. امروزه گروه های تکفیری همچون القاعده و داعش به نام دین اسلام، انسان ها اعم از زن و مرد، پیر و جوان و کودک را به خاک و خون می کشند و وحشیانه ترین رفتارها را نسبت به آنان صورت می دهند. بر اساس منابع روایی اسلامی و نیز فتاوی معتبر فقهی امامیه و اهل سنت هرگونه اعمال خشونت و کشتار و ترور علیه مسلمانان و حتی کفار ممنوع و تکفیر مسلمین صرفاً بر مبنای احتمال و حدس و در نتیجه به قتل رساندن آنان بر همین اساس، از دیدگاه اسلام غیر مشروع است. با توجه به روایات دال بر حرمت فتنه و اغتیل هرگونه اقدام تروریستی و بمب گذاری و کشتار بی گناهان حرام و عذاب اخروی و دنیوی را به همراه خواهد داشت.

کلیدواژه ها: تروریسم، افراط و خشونت، مبانی فقهی، بازی رایانه ای، پرخاشگری، خشونت، رایانه، کودک، نوجوان



مقدمه

گسترش بازی‌های رایانه‌ای، نگرانی‌های ناشی از تأثیرات منفی آن‌ها را افزایش داد و نو بودن این پدیده و راه‌یابی آن به خصوصی‌ترین حیطه زندگی افراد، بخصوص کودکان و نوجوانان، مسئولیت تربیتی خانواده‌ها را سنگین‌تر ساخت زیرا یکی از «مؤثرترین عملکردهای بازی‌های خشن رایانه‌ای تحرک گرایش‌های ته‌اجمی با توجه به نظریه‌های اجتماعی فراگیری است.» (گریفیث، ۱۹۹۹). «آزادسازی این‌گونه انرژی‌های مخرب بدون هیچ نوع کنترل در جوانان و نوجوانان می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد» (کیپرز، ۱۹۹۵).

اما مسلم است که هنوز نتایج کاملاً مشخص و اثبات شده‌ای از پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط به تأثیرات منفی بازی‌ای بر کاربران آن‌ها به دست نامیده است. در مقاله حاضر نیز تلاش شده است ضمن بررسی تأثیرات احتمالی، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: آیا با افزایش خشونت در بازی‌های رایانه‌ای، مخاطبان، خشونت بیشتری را در زندگی اجتماعی به کار می‌گیرند؟ در این صورت، میزان تأثیرپذیری افراد به چه عواملی بستگی دارد؟ آیا ویژگی‌های شخصیتی افراد، سن، جنس و سطح سواد آنان و یا عوامل اجتماعی، می‌توانند بر میزان تأثیرپذیری آنان مؤثر باشند؟ آیا مقدار تأثیرپذیری افراد، قابل‌اندازه‌گیری است؟ در این مقاله ضمن اشاره به برخی از مطالعات و تجربیات صورت گرفته در این زمینه بیش از هر چیز به اهمیت پژوهش و بررسی در این زمینه با تکیه بر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، تأکید شده است. زیرا بررسی تأثیر رسانه‌ها آن هم رسانه‌های نوین که به شیوه‌ای تعاملی با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنند - بر افراد هر جامعه بدون توجه به بررسی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آن جامعه امکان‌پذیر نیست.

بیان مسأله

خشونت به‌عنوان معضلی اجتماعی دارای پیشینه‌ای به قدمت تاریخ و نفوذی به گستره فرهنگ جوامع انسانی است و همواره برای ذهن انسان متمدن سؤال برانگیز بوده است که چرا زنان و کودکان همواره به‌عنوان قربانیان اصلی این پدیده شوم بوده و هستند؟ در میان انواع خشونت‌ها اعم از خانوادگی، اجتماعی و دولتی، خشونت‌های خانوادگی یک آسیب جدی است که با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری همچنان در جامعه خودنمایی می‌کند. این نوع خشونت فقط مختص به زندگی شهری یا روستایی نیست. همسر آزاری فراتر از مرزهای طبقاتی و نژادی است.

خشونت علیه زنان هرگونه عمل خشن مبتنی بر جنسیت است که موجب آزار یا صدمه جسمی، جنسی و یا روانی می‌گردد که نتیجه این عمل هم در خانواده‌ها و هم در جامعه پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال خواهد داشت. همسر آزاری می‌تواند اشکال گوناگون بدنی، کلامی، عاطفی، روانی، اقتصادی و جنسی داشته باشد. (ناز پرور، ۱۳۷۶: ۷۳)

امروزه تحقیقات جامعه‌شناختی در مورد روابط درونی و واقعی خانواده بسیار مشکل زیرا از دید افراد آنچه که در درون خانواده رخ می‌دهد روابط کاملاً شخصی و خصوصی است و تمایلی برای ابزار آن ندارند و از میان رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی جزء خصوصی‌ترین رفتارها تلقی می‌گردد و تمایلی برای پاسخگویی به این‌گونه سؤالات وجود ندارد. خشونت‌های خانوادگی معمولاً از طرف مردان و بزرگسالان و یا از جانب فرد قدرتمند بر فرد کم قدرت اعمال می‌شود. (اعزازی، ۱۳۷۶: ۲۰۳ - ۲۰۱)

باید توجه داشت بسیاری از زنانی که خشونت‌های خانگی را تجربه کرده‌اند به نحوی در معرض انواع دیگری از خشونت‌ها نیز قرار گرفته‌اند. خشونت‌های خانگی اثرات منفی خطرناکی بر زنان داشته و اغلب آنان دچار حالاتی چون پرخاشگری، هراس، بی‌خوابی و افسردگی بوده‌اند. با توجه به این دیدگاه رایج جامعه که خشونت خانگی امری خصوصی به حساب می‌آید یعنی چیزی است که باید بین زن و شوهر حل و فصل شود نه اینکه محتاج به دخالت مقامات بهزیستی یا پلیس و یا دادگاه باشد. (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۲۴۱ - ۲۳۹)

1. Violence
2. Domestic violence

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



نظر به اینکه خشونت علیه زنان مسأله‌ای است جهانی، بازتاب آزار زنان در جامعه بین‌المللی نیز وسیع بوده است. در چهارمین کنفرانس تشخیص داده شد. (کار، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۳)

زنان ایرانی نیز در فضای زندگی پدری زیر سلطه پدر، برادر و ... به سر می‌برند و در فضای زندگی زناشویی زیر سلطه شوهر و اقوام او هستند و در فضای زندگی شغلی زیر سلطه‌ی سلیقه‌های مرد سالار رؤسا روزگار می‌گذارند. (کار، ۱۳۸۰، ۱۷)؛
ضرورت پژوهش

امروزه بر همگان ضرورت مبارزه با تروریسم و اقدامات افراطی با مشاهده اوضاع تأسف بار انسانی در عراق، سوریه و سایر کشورهایی که به نوعی با جریان‌های تروریستی و افراطی درگیر هستند، روشن و واضح است و هیچ عقل سلیمی نسبت به این مسأله تردید ندارد. اگر مسأله تروریسم و اقدامات افراط گرایانه متوقف نگردد، چه بسا نابودی و ریشه کن کردن آن بسیار مشکل است. این نوع تفکرات نه تنها امنیت جانی و فکری بشریت را نابود می‌کند، بلکه موجب نهادینه شدن خشونت و افراط به جای عقلانیت و اعتدال است. بنابراین تبیین مبانی فقهی در جهت مبارزه با این پدیده شوم، برای ایجاد جهانی امن و نیز زندگی مسالمت آمیز پیروان مذاهب گوناگون در کنار یکدیگر ضروری است.

سؤالات اصلی پژوهش

آیا اسلام دین خشونت و اقدامات افراطی است؟

بر اساس مبانی اسلامی خشونت و تکفیر و ترور مردود است؟ دلایل آن چیست؟

منشأ و ریشه پیدایش این تفکرات افراطی و اقدامات خشن چیست؟

راه حل‌های فقهی برای مبارزه با افراط خشونت چیست؟

فرضیه پژوهش

آنچه مسلم است اسلام هر گونه اقدام تروریستی و افراطی را با هر عنوان و علیه هر انسانی مردود می‌شمارد. این مطلب نه تنها بر اساس فقه امامیه بلکه فقه اهل تسنن نیز آن را محکوم می‌نماید. راهکار مقابله اسلام با جریان‌ها به خلاف غربی‌ها علاوه بر اقدامات فیزیکی و نظامی شامل روشنگری و مبارزه فکری و فرهنگی نیز می‌باشد.

نظریه یادگیری اجتماعی

خشونت را نوعی صورت آموخته شده از رفتار اجتماعی تلقی می‌کنند. این نظریه پردازان رفتارهای خشونت آمیز را به سان یادگیری رفتارهای پیچیده یاد می‌گیرد.

این نظریه از یک طرف بر روی تجارب فرزندان خانواده و مشاهده رفتار خشن تأکید می‌کند و از طرف دیگر مطرح می‌کند که در خانواده‌ها تفاوت‌هایی در جامعه پذیری جنسیتی وجود دارد که باعث می‌شود دختران و پسران با هنجارهای متفاوت جامعه پذیر شده و هر یک نقش جنسیتی خاص خود را یاد بگیرد. بنابراین یادگیری کودکان در خانواده همراه با جامعه پذیری جنسیتی متفاوت و از طریق ساختار اجتماعی صورت می‌گیرد در میزان خشونت افراد بیشتر واقع می‌شود. (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۴)
در واقع در خانواده‌هایی که اعضای آن در دوران کودکی شاهد خشونت والدین بوده یا خشونت والدین را تجربه کرده‌اند، احتمال بروز خشونت یا تن دادن به آن به مراتب بیشتر از خانواده‌های دیگر است. بنابراین، براساس این نظریه، می‌توان سابقه مشاهده و تجربه خشونت افراد را در خاستگاه خانواده بررسی کرد. (زنگنه و احمدی، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

نظریه انتقال نسل‌ها

بر پایه نظریه یادگیری اجتماعی استوار است. بنا به نظریه انتقال نسل‌ها، سوء رفتار از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در نتیجه آنهاييکه متعلق به خانواده‌هایی هستند که در آن‌ها خشونت یک وسیله پذیرفته شده برای حل مشکلات است. احتمال بیشتری دارد که در حل مسائل در خانواده‌ای که تشکیل خواهند داد از خشونت استفاده کنند و این خشونت را به نسل‌های بعدی انتقال دهند. پس متوقف ساختن سوء رفتار مستلزم پیشگیری از تنبیه جسمی، روانی و پیشگیری از خشونت بین فردی است. (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۵: ۱۰۵).



دیدگاه تعامل گرای

از نظر نظریه پردازان این دیدگاه، رفتارها باید در زمینه اجتماعی و روابط وی تحلیل کرد. اگر رفتار را در زمینه‌ای که رفتار در آن‌ها رخ می‌دهد، در نظر بگیریم بهتر می‌توانیم معنای آن رفتار خاص را درک کنیم. لذا بهتر است مشخص کنیم رفتار در کجا اتفاق می‌افتد. خشونت و تضاد در خانواده امری تعاملی است و الگوهای تعاملی خاص به‌عنوان زمینه‌ای بلا فصل برای خشونت در خانواده نقش اساسی بازی می‌کند. (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۳)

نظریه فمینیستی

در میان تمامی نظریه‌هایی که سعی کرده‌اند پدیده‌ی همسر آزاری را توضیح دهند، نظریه فمینیسم (برابری زن و مرد) توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. اینان در تبیین تقسیم کاملاً جنسیتی قدرت، به ریشه‌های تاریخی نابرابری‌ها در جامعه معاصر پرداخته و به آن شرایط اجتماعی و سیاسی تاکید دارند که در آن خشونت مردان بروز می‌کند و بر زنان و مردان تأثیر می‌گذارد. براساس این نظریه روابط دو جنس اساساً رابطه‌ی قدرت است. این نظریه در توضیح پدیده‌ی همسر آزاری عقیده دارد که به کارگیری خشونت به وسیله‌ی شوهر منعکس کننده قدرت، اختیار و مقیعت اجتماعی بالاتر مردان است. این امر در بسیاری از مردان باور را به وجود می‌آورد که آن‌ها حق دارند که همسرانشان را مورد سوء استفاده قرار دهند، پس خاتمه دادن به همسر آزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه قدرت بین زن و مرد در جامعه است. (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۲)

از دیدگاه این نظریه پردازان، خشونت خانوادگی را نمی‌توان تنها به صورت پدیده‌ای در نظر گرفت که در روابط میان یک زن و یک مرد وجود دارد، باید آن را در شکل حاکمیت کلیه مردان بر کلیه زنان در نظر گرفت. (اعزاز، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

در واقع فمینیست‌ها با تشکیک در موقعیت فرو دست زنان در جامعه اعتبار دیدگاه‌های مسلط در مورد زنان را که وجود تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان را در تفاوت‌های ذاتی آن‌ها می‌دانند، زیر سؤال می‌برند و کوشش می‌کنند تفکری را که به زنان به‌عنوان جنس دوم می‌نگرد از عرصه‌ی تفکر اجتماعی بزدایند. از این نظر تلاش آنان، تبیین جایگاه زنان در جامعه و نسبت آن با وضعیت مردان بوده است. نسبتی که در آن زنان معمولاً فرودست و مردان فرادست قرار گرفته‌اند. (بی، ۱۳۸۱: ۱۱).

نظریه زیست محیطی

در این نظریه جامعه پذیری کودکان در سه سطح متفاوت توضیح داده می‌شود: محیط بی واسطه، شبکه‌های اجتماعی و نظام جهان بین ایدئولوژیک (خانواده در حکم محیط زیست، در یادگیری کودکان نقش خاصی دارد و ارتباط آن با محیط بیرونی همسایگان و محله) شاخص به ثمر رسیدن جامعه پذیری است. اگر خانواده نتواند با محیط بیرونی ارتباط برقرار کند. امکان بروز خشونت به ویژه علیه کودکان به وجود می‌آید. بنابراین زمانی که رابطه‌ی متقابلی میان والدین، کودک، خانواده و محیط وجود نداشته باشد خشونت امکان بروز می‌یابد.

در این نظریه آنچه در ایجاد خشونت مهم است این است که تفسیرهای اجتماعی این عمل را مقبول نشان می‌دهند و شبکه‌های اجتماعی که خانواده در آن به سر می‌برد نیز تعیین کننده‌ی میزان بروز خشونت است زیرا والدین تنها زمانی فرزندان خود را تنبیه می‌کنند.

که نظام هنجاری آن‌ها را به این کار تشویق کند یا سازمان‌های حمایتی اجتماعی آن‌ها را در زمینه‌ی مشکلات تربیتی کودکان راهنمایی نکنند و باری از دوش والدین بردارند. (اعزاز، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۴)

نظریه‌ی فرهنگی

فرهنگ از طریق ارتباطات معناداری که عمر آن بیشتر از عوامل دخیل در فرآیند ارتباطات است. منتقل می‌گردد و سپس به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. آنچه به ما به‌عنوان یک نسل می‌رسد مجموعه‌ی ارزش‌هاست. (مراد پناه، ۱۳۸۷: ۲۰). همچنین از این دیدگاه، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است که بر رفتار کنونی و آینده‌ی انسان تأثیر می‌گذارد.



فرضیه‌ی هماهنگی فرهنگی در مورد وجود هماهنگی میان ارزش‌های اساسی یک جامعه و پدیده‌های اجتماعی مانند خشونت بحث می‌کند. دوباش و دوباش ارتباط مشخصی میان رفتار خشونت آمیز مردان نسبت به زنان و هنجارهای اجتماعی یافته‌اند. (دوباش و دوباش، ۱۹۷۹: ۲۴).

بخش اول: کلیات

گفتار اول: تبیین مفاهیم

الف (ترور

کلمه ترور یا تروریسم (terror) از واژه‌هایی است که از فرهنگ و ادبیات غرب وارد واژگان فارسی شده است. در فرهنگ انگلیسی- فارسی آمده است که ترور به معنی ترس شدید و وحشت است بنابراین تروریسم یعنی عقیده به لزوم آدم کشی و قتل و نیز ایجاد وحشت در بین مردم. در تعریفی دیگر آمده که تروریسم به اصلی گفته می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد. در عربی ترور معادل کلمه ارهاب قرار گرفته است. ارهاب نیز در لغت به معنی ترس و وحشت می‌باشد. در کتاب العین آمده است رهبت الشيء ارهبه ای: خفته (از چیزی ترسید)

در اصطلاح نیز تروریسم به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کارگیری زور و خشونت در صدد رسیدن به اهداف خود هستند. در حوزه حقوق اسلامی ترور معادل فتک یعنی با استفاده از غفلت دیگری او را به قتل رساندن می‌باشد. اما شاید نزدیک‌ترین معنا به ترور همان واژه ارهاب باشد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

تعریف تروریسم در اسناد بین‌المللی

تروریسم نیز در اسناد بین‌المللی گوناگون تعریف شده است. به‌عنوان نمونه در ماده دو کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری مصوب سازمان ملل آمده است هر کس به طور غیرقانونی و از قصد، بر ضد مکان‌های عمومی و تأسیسات دولتی یا سیستم حمل و نقل عمومی یا مانند آن مواد منفجره جاسازی یا دیگر ابزار کشنده را مخفی و منفجر نماید تروریست محسوب می‌شود. همچنین در کنوانسیون منع حمایت مالی از تروریسم آمده که انجام هر رفتاری به قصد کشتار یا ایراد صدمه جسمانی به غیرنظامیان یا افرادی که در عملیات جنگی حضور مؤثر نداشته‌اند، در صورتی که به قصد ترساندن جامعه باشد رفتار تروریستی محسوب می‌شود.

تعریف تروریسم در حقوق داخلی ایران

در قوانین حقوقی ایران از تروریسم و اقدامات خشونت‌آمیز تعریفی ارائه نشده است و این بدان معناست که در رژیم حقوقی ایران تروریست در کنار سایر جرائم خشونت بار معنا پیدا کرده و قابل مجازات است. براساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی مصادیق ترور در صورت اخلال شدید در نظم و امنیت داخلی و خارجی از مصادیق محاربه محسوب می‌شود و قابل مجازات است. پخش مواد میکروبی یا احراق یا اقدامات علیه بهداشت عمومی به صورت وسیع نیز از مصادیق محاربه محسوب می‌شود. همچنین استفاده از سلاح به قصد ارباب و ایجاد ناامنی یا سارقان و راهزنان مسلح محارب و اقدامات آنان علیه جان و مال مردم قابل مجازات است.

ب) افراط و خشونت

افراط نیز در لغت به معنی عجله کردن در امری قبل از اثبات آن می‌باشد و در اصطلاح نیز هر گونه رفتار خشونت‌آمیز یا غیر آن بیش از حد مجاز و نیاز تعریف شده است. خشونت نیز معادل هر گونه رفتار فیزیکی خشن علیه تمامیت جسمانی یا روحی انسان‌ها نام گذاری شده است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

گفتار دوم: تاریخچه

تروریسم و اقدامات افراطی در بستر تاریخ دارای ریشه عمیق است و بعید نیست که ادعا کنیم از ابتدای زندگی انسان در زمین این اقدام ثبت شده است. اما نکته این است که تروریسم در شکل سنتی معمولاً با انگیزه‌های فردی بوده است. پس از تشکیل



دولت- ملت‌ها در اروپا خصوصاً در عصر رنسانس ترورها از حالت فردی خارج و به صورت گروهی و براساس ایدئولوژی صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه در انقلاب کبیر فرانسه عده‌ای مردم را به اتهام ضد انقلاب بودن گردن زدند و جمعیت‌های سیاسی از قتل و غارت و خونریزی ابایی نداشتند؛ که این دوره به نام دوره وحشت و ترور در فرانسه ثبت شده است. در سال ۱۸۶۷ یک گروه انقلابی ناسیونالیست به نام انجمن جمهوری خواهان ایرلند تحت حمایت آمریکا حمله بزرگ تروریستی انجام دادند. در جوامع اسلامی نیز این اقدامات با انگیزه‌های مختلف صورت می‌گرفته است و شاید بارزترین آن ترور حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه بود. امروزه ماهیت تروریست دگرگون شده و اکثراً با انگیزه‌های سیاسی یا مذهبی صورت می‌گیرد و دیگر مثل گذشته با انگیزه‌های شخصی، نژادی و غیره کمتر صورت می‌گیرد.

گفتار سوم: مبانی تروریسم و اقدامات افراطی

اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیز توسط افراد به خاطر رسیدن به اهداف ذهنی خود صورت می‌گیرد. این، اهداف که می‌تواند نژادی مثل قتل سرخپوستان آمریکا توسط مهاجرین انگلیسی و اروپایی یا رژیم آپارتاید حاکم در آفریقای جنوبی، یا با اهداف فکری و ایدئولوژیک مثل کشتارهای بی رحمانه توسط نازی‌ها در جنگ جهانی دوم و نیز اقدامات القاعده و داعش نسبت به مسلمانان یا با انگیزه‌های سیاسی مثل ترورهای وحشیانه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در ایران را مثال زد. آنچه مسلم است فرد با انجام این اقدامات سعی دارد تا نظر و تفکر خود را بر جامعه بقبولاند و با نوعی زور و خشونت فکر خود را در جامعه نهادینه کند. اما این ماهیت در خصوص گروههایی همچون القاعده و داعش متفاوت است؛ چرا که آنان رفتارهای تروریستی خود را در قالب تکلیف و وظیفه دینی خود می‌دانند و به تصور اینکه مابقی مسلمین همانند سایر غیر مسلمین کافر و جاحد هستند، و باید به دستور دین با همه‌ی آنان مبارزه و جنگ نمود. این تفکر در اقدامات تروریستی خطرناک‌ترین تفکر است؛ زیرا فرد تروریست فکر می‌کند که اقدامات وی مشروع و بر طبق شریعت است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

عناصر تشکیل دهنده رفتار تروریستی و خشونت‌آمیز عبارتند از:

خشونت در عمل: برای تشکیل یک فصل تروریستی شدت عمل یا ایجاد هراس در مردم لازم است. شهروندان به‌عنوان قربانی جرم: در تروریسم باید قربانی جرم شهروندان عادی باشند؛ چرا که اقدام مسلحانه علیه نظامیان مشمول عناوین دیگر است.

قصد ایجاد رعب و وحشت

آنچه لازم است ابتدا باید براساس موازین اسلامی و مبانی فقهی موارد مجاز اعمال خشونت مشخص شود سپس باید آراء و دیدگاههای افراطی در جوامع اسلامی را تبیین نمود که آنان بر چه اساس و کدام مبانی فقهی مرتکب کشتار و اقدامات افراطی می‌شوند و در نهایت زیر بنایی اعتقادی و فقهی آنان در کشتار انسان‌ها را نقد و نظریه فقها را در این زمینه تبیین نمود تا مردود بودن کشتار و ترور و اقدامات خشونت‌آمیز براساس موازین فقهی روشن گردد.

بخش دوم: بررسی مبانی فقهی اقدامات تروریستی و افراط‌گرایانه

با توجه به آیات و روایات و نیز منابع فقهی مشاهده می‌شود که در شریعت اسلامی شارع مقدس مواردی را معین فرموده است که در آن موارد می‌توان از خشونت علیه افراد استفاده نمود. واضح است که این موارد همگی جزء مقررات جزایی اسلام که به نوعی مجازات افرادی است که مرتکب گناه یا جرم شده‌اند. بنابراین مگر در جنگ و مجازات، اعمال خشونت علیه دیگران اعم از مسلمان و غیرمسلمان جایز نیست بلکه در غیر موارد مذکور سفارش به مهربانی و همدلی نسبت به دیگران شده است. موارد اعمال خشونت که تحت عنوان قصاص یا مجازات قرار می‌گیرند موضوع بحث ما در این نوشتار نیست بنابراین از ذکر آن خودداری می‌نماییم. اما در مورد مواردی که اعمال خشونت نه به خاطر قصاص یا مجازات بلکه در عنوان دیگر مثل جهاد علیه کفار، قتل مرتد و مشرک مطرح می‌گردد را به تفصیل مورد اشاره قرار می‌دهیم؛ هرچند این موارد نیز می‌تواند بخشی از مقررات جزایی و مجازات رفتار باشد.



گفتار اول: تبیین مبانی فکری گروه‌های تکفیری

اکثر جریان‌های تکفیری و تروریستی در جهان اسلام که امروزه در سوریه و عراق و حتی آفریقا شاهد ننگین‌ترین خشونت‌های آنان علیه اسلام و مسلمین هستیم در عقاید مذهبی خود گرایش وهابی و سلفی دارند و بر همگان روشن است این گروه‌های افراطی براساس تفکرات مذهبی و مبانی فقهی وهابیت سایر مسلمین را کافر دانسته و جهاد و قتل آنان را وظیفه دینی خود می‌دانند. تا این مبانی و تفکرات آنان پابرجاست، ریشه کنی و مبارزه با اقدامات افراطی لازم و ضروری است. هر چند در این نوشتار به صورت عام در پی تبیین مبانی فقهی در رد و مبارزه با اقدامات خشونت‌آمیز و افراط‌گرایانه است و فرقی ندارد که عملیات تروریستی بر علیه مسلمانان باشد یا پیروان سایر ادیان، همچنین فرقی ندارد که اقدامات افراطی توسط افراطیون مسلمان صورت گیرد یا غیر آن، ولی از این جهت که ارتکاب اعمال تروریستی و افراطی با ادعای دین داری و پیروی از شریعت خطر بیشتری دارد، سعی شده بیشتر به این مورد پرداخته شود چرا که اگر تروریست‌ها اقدامات خود را براساس شریعت موجه و مشروع بدانند، دیگر برخورد نظامی علیه آنان چنان کارساز نخواهد بود و این افراطیون در جهان چهره‌ی اسلام واقعی را مخدوش خواهند نمود. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

مهم‌ترین مبانی فقهی گروه‌های تکفیری در مشروعیت بخشیدن به رفتارشان عبارتند از:

۱- شرک

از مهمترین دلایلی که گروه‌هایی همچون داعش مستمسک کشتار شیعیان و حتی اهل سنت قرار داده‌اند، مسئله شرک و وجوب قتل مشرکین است براساس مبانی وهابیت و ابن تیمیه هر کس به زیارت قبور مردگان رود از آنان حتی اگر قبر پیامبر اسلام یا سایر اولیاء و صحابه باشد حرام و طلب کمک و درخواست از آنان شرک است.

آلوسی در تفسیر آیه «وابتغوا الیه الوسیله» آورده است که استغاثه به مخلوق و طلب دعا از او اگر آن مخلوق زنده باشد ایرادی ندارد اما اگر مخلوقی که از وی طلب دعا و استغاثه می‌شود مرده باشد این امر غیر جایز، بدعت و حرام است و براساس برداشت ظاهری آنان از آیه قاتلوا الکفار والمشرکین حکم به تکفیر مسلمین که این امور را انجام می‌دهند، داده و آنان را به قتل می‌رسانند در حالی که این مبنای آنان اصلاً اساس و پایه فقهی ندارد. (دلوری، ۱۳۸۷)

چرا که روایات زیادی در کتب روایی شیعه و سنی آمده است که زیارت قبر پیامبر یا سایر اولیای الهی ممدوح و طلب حاجت از آنان جایز بلکه مستحب است. (حسینی، ۱۴۲۱)

در کتاب «الفقه علی مذاهب الاربعه» که بیانگر افکار چهار امام اهل تسنن است آمده است که زیارت قبر پیامبر بهترین مستحبات است و در روایتی از عبدالله بن عمر از نبی مکرم اسلام آمده است: «من زار قبری وجبت له شفاعة» در کتب روایی اهل سنت نه تنها دلیلی بر حرمت زیارت نداریم بلکه در کتب زیادی از آنان از جمله در صحاح سته سفارش به این امر شده است. در روایات بسیاری نیز در کتب روایی اهل سنت دال بر تأیید و مشروعیت توسل به انبیاء بزرگان (مخلوق خداوند) آمده است. روایتی در سنن ترمذی و مسند احمد آمده است: عن عثمان بن حنیف انه قال «ان رجلاً ضریراً آتی النبی فقال ادع اللہان یعافینی. فقال النبی ان شئت دعوت و ان شئت صبرت و هو خیر قال: فادعه قال: امره ان یتوضاً... و یدعوا بهذا الدعاء اللهمانی اسالک و اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمه. یا محمد آتی اتوجه بک الی ربی فی حاجتی لتقضی...»

قال ابن حنیف: فوالله ما تفرقنا و طال بنا الحدیث حتی دخل علینا کان لم یکن به ضرر

براساس روایت فوق توسل به پیامبر و دعاء برای عافیت جایز است و نکته مهم آن است که پیامبر خود دعا نفرمود بلکه به سائل دعای توسل تعلیم فرمودند و براساس همین ابن حنیف صحابی پیامبر در زمان خلیفه سوم همین دعا را به کسی که حاجتی داشت تعلیم داد.

علاوه بر روایات سیره مسلمین از صدر اسلام توسط صحابه پیامبر و سایر مسلمانان بر مشروعیت زیارت قبور و توسل به اولیای الهی چه در حیات و چه در ممات آنان استوار بوده است. در صحیح بخاری آمده است که عمر بن الخطاب خلیفه ثانی هنگامی



که قحطی و خشکسالی شد به عموی پیامبر عباس بن عبدالمطلب که مرده بود این طور توسل کرده که اللهم انا نتوسل اليك بعم نبينا فاسقنا. در صحیفه سجاده نیز امام زین العابدین می‌فرماید: «اللهم انی أسئلك بحق هذه الشهر (رمضان) و بحق من تعبد فيه». (حسینی، ۱۴۲۱)

ابن تیمیه که صاحب اصلی تئوری خشونت مذهبی و اساس عقاید وهابیت را تشکیل داده است می‌گوید: اگر کسی معتقد باشد که زیارت قبور صلحاء و اولیای الهی موجب قرب و طاعت است، این اعتقاد خلاف اجماع مسلمین است و مسافرت به قصد زیارت قبور گناهش بیشتر از قتل نفس است؛ چرا که وی مشرک و خون و ناموس و جان وی حلال است او چگونه چنین فتوایی می‌دهد در حالی که روایات در مشروعیت و استحباب زیارت انبیاء و صلحاء وارد شده است.

در روایتی دیگر آمده است بلال حبشی پس از فوت نبی گرامی اسلام بار سفر برای زیارت قبر پیامبر بست و نزد قبر پیامبر گریه نمود و در آن لحظه امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمدند بلال آن را در آغوش گرفت و مورد محبت قرار داد سپس آن دو امام همام از بلال درخواست کردند تا در مسجد النبى اذان بگوید. چگونه این صحابی رسول الله به زیارت می‌آید و دعا و گریه می‌کند و هیچ کس عمل او را او شرک فرض نمی‌کند، چرا که اگر شرک بود باید در آن زمان کسی به او تذکر می‌داد که رفتار وی شرک است. (دلاوری، ۱۳۸۷)

وهابی‌ها بر تحریم شفاعت از اولیاء خدا اینگونه استدلال می‌کنند که خداوند در قرآن بت پرستان حجاز را مشرک خوانده چرا که آن‌ها از بت‌ها طلب شفاعت می‌کنند و در مقابل آن‌ها ناله و زاری می‌کنند. در سوره یونس آمده است: «و یعبدون من دون الله مال یضرهم و لا ینفعهم و یقولون هؤلاء شفعاؤنا عندالله».

بنابراین هر نوع شفاعت خواهی از غیر خدا شرک و پرستش شفیع خواهد بود. در پاسخ می‌گوییم که این آیه دلالتی بر مطلب آنان ندارد چرا که علت شرک اعراب این بود که آن‌ها بت‌ها را می‌پرستیدند تا سرانجام آن‌ها را شفاعت کنند و اگر شفاعت خواهی از بت‌ها، در حقیقت پرستش آن‌ها محسوب می‌شد، دیگر دلیلی نداشت که علاوه بر جمله «یقولون هؤلاء شفعاؤنا» جمله‌ای مانند یعبدون بیاورد. بنابراین آیه شریفه دلالت ندارد که شفاعت خواهی از بت‌ها، پرستش آن‌ها است چه برسد به اینکه شفاعت خواهی از اولیای الهی نشانه پرستش است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

دلیل دیگر آنان بر حرمت درخواست شفاعت از اولیای الهی این است که به حکم صریح قرآن نباید در مقام دعا، غیر خدا را بخوانیم و درخواست شفاعت از غیر او نوعی دعا و درخواست از غیر او محسوب می‌شود و قرآن کریم می‌فرماید: «فلاتدعوا مع الله احداً» و معلوم است که دعوت و عبادت یک مفهوم و حقیقت دارد همانطور که در کتاب‌های اخلاق آمده است «الدعا مخ العباده» یعنی دعا مغز و حقیقت پرستش است حال چگونه طلب شفاعت و دعای از غیر خدا را از عبادت غیر خدا تفکیک کنیم؟ در پاسخ می‌گوییم که مقصود از حرمت دعوت از غیر خدا در آیه مذکور مطلق درخواست نیست بلکه مقصود تحریم پرستش غیر خدا است. همچنین منظور از حرمت دعوت نوعی دعوت ملازم با پرستش است. مشرکین بت‌ها را خدایان کوچک می‌شمردند که اختیاردار همه امور حتی شفاعت بودند؛ در حالی که شفاعت از منظر مسلمین همان توسل به اولیای الهی مأذون در شفاعت از سوی خود خدا است توسل و درخواست دعا از غیر خدا در سیره مسلمین صدر اسلام بسیار مرسوم بوده و هیچکس در آن شبهه شرک وارد نکرده است.

امام احمد حنبل در مسند خود حدیثی نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: اقرأوا القرآن و اسألوا الله تبارک و تعالی من قبلان یجئ یسألون به الناس. براساس روایت مذکور شکی نیست که قرآن دارای منزلت عظیمی است که می‌توان به قرآن توسل و درخواست دعا نمود. حال چگونه پیامبر ممکن است دستور به شرک دهد در حالی که ایشان معصوم از خطا و گناه هستند. همچنین طلب دعا از برادر مؤمن نیز جایز است. در روایتی آمده است که پیامبر فرمود: «اسألوا الله لی الوسیله... فمن سأل لی الوسیله حلت له الشفاعه» چگونه این امور شرک است در حالی که خود پیامبر بر سر قبر شریف فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی گریه می‌نمود و از خداوند به حق انبیاء قبل از خودشان برای فاطمه بنت اسد طلب استغفار می‌نمودند. (حسینی، ۱۴۲۱)



انس بن مالک در این موضوع اینگونه روایت کرده که: انه لما ماتت فاطمه بنت اسد ام علی - رضی الله عنها- دخل رسول الله مجلس عند رأسها و ... و اخرج بیده تراب قبرها فاضطجع فيه و قال ... اغفر لأمی فاطمه بنت اسد... بحق نبیک و الانبیاء الذین من قلی فانک ارحم الراحمین.

حال چگونه این گروه‌های تروریستی با وجود این همه روایات دال بر جواز و مشروعیت زیارت قبور و توسل به انبیاء و اولیای الهی، این اعمال را شرک و مسلمین را با اتهامات ناروا به خاک و خون می‌کشند، آیا جهل و تعصب آنان است که اجازه نمی‌دهد حقیقت را درک کنند و با استناد به مبانی ناصحیح و غلط‌های فکری و التقاطی مردم را به خاک و خون بکشند؟!

۲- کفر

از عمده دلایل عملیات‌های تروریستی این گروه‌های افراطی تکفیر و کافر دانستن سایر مسلمین است. این گروه‌های خشونت طلب اعمال ننگین خود را با این بحث که موضوع رفتار آنان کفار هستند از لحاظ فقهی و دینی مشروع است و براساس آیه شریفه جاهد الکفار و المنافقین جنگ با آن‌ها لازم و قتل کفار را واجب می‌دانند. البته هر چند شرک و نیز سایر اتهامات مثل ارتداد و ... در اصل بازگشت به کفر دارد و کفر عنوان عامی است که شامل شرک و ارتداد و ... می‌شود لکن ماشرک را به صورت جداگانه و به این خاطر که شاید اتهام اولیه به مسلمانان خصوصاً شیعیان این عنوان باشد آن را جداگانه مورد بحث قرار دادیم. در ابتدا لازم است معنای کفر و کافر و آنچه موجب تحقق اسلام است را تبیین تا نادرستی عقیده اینان واضح گردد.

براساس روایات رفتاری فقها در مواردی داشتن برخی اعتقادات و رفتارها موجب تحقق کفر و ارتداد است و قتل چنین افرادی واجب است. کفر در لغت به معنای ستر و پوشش است و به کافر از آن جهت کافر گفته‌اند که حق را بر خود پوشانده است. فقها در تعریف کفر و ارتداد به ذکر اوصاف پرداخته‌اند فقهای امامیه انکار خالق، انکار ضروری دین اسلام مثل وجوب صلاه یا هتک حرمت خداوند یا پیامبر و یا انکار معاد و ... را موجب تحقق کفر می‌دانند. در مورد تعریف کفر نیز آمده است: هر کس انکار خالق کند یا اشیاء مثل ستارگان و بت‌ها را خالق بداند یا برای خدا شریکی در خلقت قائل شود یا اساساً نبوت از سوی خداوند را مطلقاً منکر شود مثل بودائیان یا ضروری ادیان الهی و یا ضروری دین اسلام را منکر شود کافر است. براساس آیات و روایات جهاد در راه خدا یکی از وظایف و تکلیف مسلمین است. در سوره‌ی توبه آمده است جاهد الکفار المنافقین. بنابر صراحت آیه قتال و جنگ با کفار و منافقین واجب است. در تفسیر سیوطی ذیل این آیه آمده است که منظور از قتال با کفار جنگ با شمشیر و به صورت قهرآمیز است. (دلوری، ۱۳۸۷)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز آمده از این جا فهمیده می‌شود که پیامبر در جنگ علیه منافقین باید مثل جنگ با کفار با شمشیر به صورت قهرآمیز باشد و در روایتی نقل می‌کند که منظور از قتال با کفار الزام آنان به انجام فرایض اسلامی است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ان الله فرض الجهاد و عظمه و ... و الله ما صلحت الدنيا و الدین آلا بالجهاد». در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام آمده است که خیر و تمامی آن در شمشیر و زیر شمشیر و در سایه شمشیر می‌باشد (همگی کنایه از جهاد و فضیلت آن است). (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

بنابراین جهاد با کفار و وجوب آن بر هیچ کس پوشیده نیست. اما این نکته ضروری است که جهاد در اسلام بر سه قسم است:

جهاد ابتدایی

جهاد دفاعی

جهاد داخلی

در مورد ۲ قسم آخر یعنی جهاد دفاعی و جهاد داخلی شکی نیست که این جهاد بر همه واجب است.

قاضی ابن براج در مورد جهاد داخلی یعنی جنگ با باغیان و شورشیان می‌فرماید: این جهاد بر مؤمنین واجب است وی در ادامه می‌فرماید: باغیان کسانی هستند که بر امام عادل شورش کرده‌اند و پیمان خود را نقض کرده‌اند مثل اصحاب جمل.

در این امر فقها اعتقاد نظر دارند که همه جنگ‌های حضرت علی علیه السلام از نوع جهاد داخلی و به علیه پیمان شکنان و شورشیان بوده است.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری و حقوقی پزشکی فراژوئی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



در مورد جهاد دفاعی نیز فقها اتفاق نظر دارند بر اینکه این جهاد برای دفاع از کیان اسلام و مسلمین در مقابل کفار و باغیان بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است. صاحب جواهر نیز می‌فرماید: جنگ برای دفاع حتی بدون وجود امام معصوم در صورتی که ترس آن باشد که دشمن بر سرزمین اسلام مسلط شود واجب است. (طوسی، ۱۳۸۷)

بنیانگذار جمهوری اسلامی در این زمینه می‌فرماید: دفاع از مملکت اسلامی و مرزهای آن بر هر کس واجب است و نیازی به اذن امام معصوم یا نائب آن حضرات ندارد ولی هر گونه حمله ابتدایی به کشورهای دیگر ممنوع است. بنابراین واضح است که جهاد داخلی و دفاعی تکلیف همه مسلمین اعم از زن و مرد است و در آن اختلافی نیست.

اما آنچه که مستمسک گروه‌های افراطی و جهادی اسلام گرامی باشد جهاد ابتدایی و لزوم مبارزه و قتال با کفار براساس آن است. برای تبیین موضع فقه اصیل ابتدا تعریف جنگ ابتدایی باید روشن گردد؛ در این رابطه آیات و روایات زیادی مطرح شده است. فقها نیز به طور مفصل در این زمینه فتوا داده‌اند. فقها با توجه به روایات بین کفار کتابی و غیر کتابی تفکیک قرار داده‌اند. (حسینی، ۱۴۲۱)

کفار حربی (غیر کتابی) کفاری هستند که معتقد به ادیان آسمانی یهود و مسیحی و مجوس نیستند و یا اینکه اصلاً به ادیان الهی اعتقادی ندارند مانند بودائی‌ها و... جنگ با آنان واجب است تا اسلام بیاورند یا کشته شوند و جزیه از آنان پذیرفته نیست. ابن زهره آورده است: «من لا کتاب له من الکفار لایکف عن قتاله الا بالرجوع الی الحق و لایجوز ان یبارز احد الا باذن الامام او من نصبه.»

براساس فتوای ابن زهره در مورد کفار غیر کتابی یا باید اسلام بیاورند یا کشته می‌شوند. علامه حلی نیز می‌فرماید کفار غیر کتابی مثل عبادت کنندگان بت‌ها از آن‌ها مگر اسلام پذیرفته نیست و اگر اسلام بیاورند کشته می‌شوند و جزیه از آنان قبول نمی‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷)

از مطالب فوق فهمیده می‌شود که در مورد کفار غیر کتابی جزیه پذیرفته نیست و آنان مجبور به پذیرش اسلام هستند یا کشته می‌شوند. اما در مورد کفار کتابی یعنی یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان همانطور که بیان شد یا باید جزیه دهند یا اسلام را بپذیرند. شهید اول می‌فرماید واجب است قتل کفار کتابی مگر اینکه جزیه و التزام به احکام اسلامی را بپذیرند. ابن ادریس حلی نیز قتال با کفار کتابی را واجب می‌داند و می‌گوید که اگر آنان از پرداخت جزیه امتناع نمایند حکم آنان همچون کفار غیر کتابی است در وجوب قتل آنان و به اسارت گرفتن کودکان و....

با توجه به مطالب مذکور روشن است که در فقه امامیه همانطور که در فقه اهل سنت آمده، قتال و جهاد با کفار (جهاد ابتدایی) در صورت وجود شرایطی واجب است و فقهای امامیه به تبع روایات بین کافر کتابی و غیر کتابی به خاطر تفاوت در آثار جنگ و نحوه جنگ تفکیک قائل شده‌اند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

در اینجا نیز باید اعمال گروه‌های تکفیری اسلامی نیز تفکیک شود که آنان با اعتقاد به وجوب جهاد اعمال خود را علیه کفار انجام می‌دهند یا نه؟؟ اگر رفتار ارتكابی آنان به زعم خود علیه کفار اعم از کتابی و غیر کتابی است باز هم رفتار آنان از لحاظ فقهی قابل قبول نیست چرا که اگر قائل به اجماع نشویم به غیر از تعداد بسیار محدودی از فقها، مشهور و بلکه کل فقها اذن پیامبر یا امام معصوم یا نائب خاص ایشان را در جنگ و جهاد ابتدایی لازم می‌دانند. بنابراین روشن است که اقدامات تروریستی علیه کفار هر چند در غالب جهاد ابتدایی باشد بدون حضور و اذن نبی یا امام معصوم یا نائب خاص آنان به هیچ وجه جایز نیست. (سبحانی، ۱۳۸۸)

شیخ طوسی هفتمین شرط وجوب جهاد ابتدایی را وجود امام عادل یا منصوب از سوی ایشان می‌داند و در صورت عدم وجود یکی از این شرایط جهاد ابتدایی ساقط است و نبرد ابتدایی در همه مذاهب اسلامی مشروط به اذن امام است و فقهای اهل سنت نیز آن را واجب می‌دانند. و تنها تفاوت و اختلاف شیعه و اهل سنت در شرایط و صلاحیت امام است. علامه حلی نیز در کتاب تحریر اذن امام عادل یا نائب ایشان را ضروری می‌داند. همچنین در مبسوط آمده است: اذا اجتمعت الشروط ألتی ذکرناها... فلا یجب علیهم یجاهد الا ان یکون هناك امام عادل او من نصبه... ومتی لم یکن الامام سقط الوجوب بل لایحسن فعله.



بنابراین در جایی که حمله ابتدایی است کسی نمی تواند خودسرانه برخیزند و به جهاد با کفار بپردازند چرا که این حق، حقی ولایی است و بدون اذن انسان کامل این امر امکان پذیر نیست. مرحوم آیت الله بهجت نیز وجوب جهاد را مشروط به اذن امام یا نائب خاص می دانند و برای نایب امام (فقیه عادل) چنین حق و اذنی قائل نیستند.

در مورد علت لزوم اذن امام در جهاد ابتدایی شاید بتوان گفت که یکی از آداب جهاد ابتدایی دعوت آنان به اسلام است و نباید قبل از دعوت کفار به اسلام با آن ها جنگ نمود بلکه باید بعد از دعوت به اسلام و نپذیرفتن اسلام از سوی کفار جنگ را آغاز نمود. علت این دعوت نیز اتمام حجت با کفار است تا آنان عذری نداشته باشند که بگویند اگر می دانستیم اسلام چیست ایمان می آوردیم. اینگونه نیز می توان لزوم اذن پیامبر یا امام معصوم در جهاد ابتدایی را تفسیر نمود که در صورت عدم وجود امام معصوم یا نائب خاص ایشان در اتمام حجت بر کفار شک می کنیم و بنابر استصحاب اصل عدم تکلیف حکم به عدم وجوب جهاد می دهیم. در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بعثنی رسول الله الی الیمن فقال یا علی لاتقاتلنّ احداً حتی یدعوه الی الا سلام... براساس روایت مذکور وجوب دعوت به اسلام قبل از جنگ و قتال واجب و ضروری است و فقها نیز به همین مطلب فتوا داده اند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

پس چگونه این گروه های تکفیری و بر چه اصولی بدون اذن نبی یا امام می خواهند جهاد ابتدایی به راه بیندازند. این مطالب همانطور که بیان شد در فرضی است که بخواهند علیه کفار قتال کنند اما آنان امروزه مسلمین را هم کافر دانسته و به آنان تعرض می کنند.

سؤال:

شاید یکی از ایرادات جدی که به دین اسلام وارد شده وجود جهاد ابتدایی در آیین اسلام است و با استناد به همین حکم، اسلام به عنوان دین طرفدار خشونت قلمداد شود و تروریسم نیز در همین بستر رشد می نماید و اساساً نباید در دین جنگ و جهاد وجود داشته باشد، چرا که این امور مذموم و دین باید مخالف امور مذموم باشد. (حسینی، ۱۴۲۱)

در پاسخ باید گفت که حتی جهاد ابتدایی نیز به نوعی دفاع است زیرا ماهیت جهاد ابتدایی دفاع از مظلومان است زیرا مستکبران عالم مانع نفوذ تعلیم و تبلیغ اسلام می شوند و راه رسیدن حقایق را به مردمان تشنه ایمان و معنویت مسدود می کنند؛ بنابراین جهاد با آنان به معنای طرد مانع و دفع حاجب برای رسیدن معارف ناب به محرومان است. به بیان دیگر هر گاه حجت و حقانیت دین اسلام برای عده ای محرز شود و آنان این امر را تمکین نکنند و یا به واسطه اینکه منافع آنان با مسلمان شدن مردمانشان از بین می رود و شوکت و قدرت و ثروت آنان و زیاده خواهی و فساد آنان مانع از اسلام آوردن یا نشر آن در کشورهاشان بشود، آیا نباید پس از مدارا و دعوت به اسلام با جنگ آن سردمداران کفر را از بین برد تا حقانیت و دین بر مردم روشن شود؟ آیا حق پرستش خداوند بر همگان واجب نیست؟

در مطالب مذکور آمد که در اسلام هر چند ارتکاب رفتاری مثل ارتداد، ساب النبى و ... فرد را مهدور الدم و قتل وی مجاز می شود؛ اما این امور بر فرض اثبات و وجود سایر شرایط اجرای حد در سایر اعمال و رفتار جاری نیست و نمی توان به هر رفتاری عنوان ارتداد داد. براساس روایات و مابغ فقهی کفر عبارت است عبادت خدایان ساختگی مثل بت و نیز عقاید شرک آلود دیگر است و یا در صورتی که شخص منکر ضروری دین باشد. در بحارالانوار آمده است من سبّ نبیاً من الانبیاء فاقتلوه

عمار ساباطی نیز به نقل از امام صادق می فرماید: هر مسلمانی که از اسلام برگردد و حضرت محمد صلوات الله علیه را انکار و تکذیب نماید، مرتد است و خون او برای هر کس که این انکار را بشنوند مباح است. ولی تا این امور براساس مقررات فقهی ثابت نشود کسی نمی تواند دیگری را بکشد و اقدامات خشونت آمیز علیه او انجام دهد؛ هر چند در عمل برخی محرمات را ارتکاب یابد چرا که به صرف اسلام آوردن و گفتن شهادتین فرد مسلمان است و بنابر اجماع مسلمین خون و جان و مال او محترم است و کسی حق تعرض به آنان را ندارد. (هاشمی، ۱۳۹۰)

شیخ طوسی می فرماید: هر کس شهادتین را بگوید کافی است و او مسلمان محسوب می شود.



در دلیل عروه الوثقی آمده است: «یکفی فی الحکم با سلام اظهار الشهادتین و ان لم يعلم موافقه قلبه للسانه لامع العلم بالمخالفه» صاحب جواهر در این بحث آورده است که کلمه اسلام نصاً و فتواً این است که کسی بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و اگر بگوید علاوه بر شهادتین که از هر دینی غیر از اسلام تبری می‌جویم تأکید است و وجوبی ندارد به خلاف اهل سنت که علاوه بر شهادتین انکار دیگری از غیر اسلام را نیز برای تحقق اسلام ضروری می‌دانند. شیخ انصاری در کتاب الطهاره حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که اسلام همان ظاهری است که مردم دارند یعنی شهادت بر وحدانیت خدا و نبوت پیامبر و اقامه نماز و صوم... حضرت امام خمینی نیز گفتن شهادتین (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله) را موجب تحقق اسلام و محترم بودن جان و مال انسان می‌داند. (طوسی، ۱۳۸۷)

محمد سعید طنطاوی می‌گوید: به طور قطع جایز نیست انسانی به دیگری نسبت کفر دهد مگر اینکه او عبادت برای خدا و ایمان به فرشتگان و کتاب الهی و رسولان خدا را انکار کند، بنابراین تکفیر پیروان هیچ یک از مذاهب اسلامی جایز نیست. دکتر علی جم نیز می‌گوید مسلمانی که شهادتین را بر زبان جاری نماید جان و مالش محفوظ است و نزد اهل حق مسلمان شناخته می‌شود و خروج او دایره اسلام و تکفیر او بسیار سخت است.

حال چگونه این تیمیه و وهابیون که زیربنای فکری و فقهی این جریان‌های تکفیری می‌باشد به راحتی دایره کفر و تکفیر را وسعت داده است و می‌گوید اگر همسایه مسجد به خاطر مناسبت شغلی و کسب خویش، نتواند به نماز جماعت برود باید توبه کند و آلا قتل او واجب است و یا چگونه و بر چه مبنای فقهی وی حکم کفر کسی را که نماز ظهر را تا مغرب و نماز مغرب را تا نیمه شب به تأخیر بیندازد، صادر کرده و گفته است که اگر کسی این کار را کفر نداند باید گردن او زده شود.

چگونه و در حالی که در صحیح بخاری آمده است که: لایحل دم امرئ مسلم یشهد لا اله الا الله و ان اشهد انی رسول الله باحدی ثلاث، الیثبت الزانی و النفس بالنفس و التارک لدینه و المفارق للجماعه، یعنی خون مسلمانی که اقرار به شهادتین کند محترم است مگر در موارد استثناء، ابن تیمیه منکر این حدیث شده است و بدون توجه به فتوای عامه و خاصه در حرمت جان مسلمان می‌گوید تاتارهایی که از آسیای میانه به شام آمده‌اند و شهادتین می‌گویند و خود را به اسلام منتسب می‌کنند، کافر و قتل آن‌ها براساس کتاب و سنت واجب است. کدام کتاب و سنت این چنین اجازه‌ای در تکفیر و قتل مسلمین و غیرمسلمان می‌دهد. (طوسی، ۱۳۸۷)

آنچه مسلم است شارع اسلام به بحث حرمت جان انسان‌ها و حفظ دماء مسلمین اهتمام خاصی دارد. در روایتی از امام صادق آمده است «لا یدخل الجنه سافک للدم و...» یعنی کسی که خون دیگران را بریزد به بهشت وارد نمی‌شود. ابو هریره از پیامبر اسلام نقل می‌کند که اگر اهل زمین و آسمان در قتل مؤمنی مشارکت کنند خداوند آنان را در آتش خواهد انداخت. در آیات قرآن نیز به صراحت آمده است که «لا تقتلوا النفس الّتی حرم الله الا بالحق» که انسان‌ها را نکشید و خون آن‌ها را نیز نریزد. ابن مسعود از پیامبر نقل می‌کند که اولین چیزی که بین مردم در روز قیامت حکم می‌شود سؤال در مورد خونریزی‌ها است که این روایت در صحیح بخاری و مسلم نیز آمده است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

حال زمانی که شریعت قتل حیوانات را بدون دلیل حرام می‌داند چگونه قتل انسان‌ها خصوصاً مسلمین را جایز می‌داند. در روایتی دیگر از خلیفه دوم که در صحیح بخاری نیز ذکر شده است، آمده است که از اموری که رهایی از آن برای مرتکبش وجود ندارد ریختن خون دیگری به ناحق است. حال چگونه شارع با این اهتمام و توجه ویژه به تقدس جان انسانها و حرمت قتل افراد به همین راحتی گروه‌های سلفی و تکفیری فتوا به قتل انسان‌ها می‌دهند؟؟

گفتار دوم: ابن تیمیه پایه گذار نهضت سلفی

عقاید این تیمیه پایه گذار نهضت سلفیمی باشد. از ویژگی‌های او این بود که برخلاف سایر علمای اهل سنت، در فتوا هرگز محدود به فقه حنبلی نبود و بسیاری از فتواهای او مطابق با هیچ یکی از مذاهب اربعه اهل تسنن نبود. از سوء برداشت‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (حسینی، ۱۴۲۱)



الف) درک نادرست از خدای تعالی و پیامبر

جمود در فهم مسائل دینی و کم کردن نقش عقل و اتکای به ظواهر مسائل دینی، ریشه این کج فهمی ها می باشد. او معتقد بود که براساس آیه شریفه «الرحمن علی العرش استوی» خداوند در آسمان است و می توان در روز قیامت با انگشتان به خداوند اشاره نمود و خداوند دارای اعضا و جوارح است و اجماع سلف بر آن است که ذات احدیت را در آخرت می توان با چشم دید. وی همچنین در مورد پیامبر می گوید که پیامبر تنها در تبلیغ دین معصوم بوده و هیچ روایتی بر استحباب زیارت قبر پیامبر وجود ندارد و دست گذاشتن روی قبر و بوسیدن آن خلاف دین است و توسل و ندا کردن مردگان حرام است.

ب) تکفیر مسلمانان و تئوریزه کردن خشونت های نامشروع

او اعمالی که عموم مسلمانان آن را جایز و حتی مستحب می دانند حرام اعلام نمود. وی به راحتی حکم کفر کسانی که بعضی محرّمات را انجام می دهند را صادر می کرد، او مسافرت به قصد زیارت قبور را شرک و موجب کفر می دانست. او مرم را به سه دسته مؤمن، کافر و منافق تقسیم می نمود و خون کافر و منافق و غیرمسلمان را حلال و قتل آنان را واجب می دانست. محمد بن عبدالوهاب نیز با پیگیری و تبعیت از افکار انحرافی ابن تیمیّه موجب ایجاد موجی از خشونت ها و اقدامات افراطی با نام اسلام بود. اساس انحرافات وهابیون به تبع ابن وهاب را چند موضوع قرآنی است: (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

۱- توحید و شرک

او می گفت توحید مطرح در قرآن توحید در عبادت است، زیرا مشرکان نیز براساس قرآن توحید خالق را قبول داشتند (و لئن سالتهم من خلق السماوات و الارض لیتولن الفریر العلیم، سوره زخرف/ آیه ۶) بنابراین اگر کسی از پیامبر یا سایر اولیای الهی طلب شفاعت کند مشرک و جان و مال او مباح است زیرا خداوند در سوره زمر می فرماید: قل لله الشفاعة جمیعاً (حسینی، ۱۴۲۱)

۲- عبادت

عبادت نیز واژه ای است که آنان درست درک نکرده اند و می گویند اگر کسی سراغ صالحان برود و طلب شفاعت کند مصداق نهی آیات قرآن هستند که بیان می دارد فقط باید به خدا تمسک و توسل نمود. حال آنکه ایراد وهابیون در برداشت از آیه این است که طلب شفاعت چه ربطی به عبادت دارد و اگر طلب شفاعت بدون عبادت و پرستش باشد چه ایرادی دارد؟! (علیزاده، ۱۳۷۷)

۳- دعا

وهابیون در تفسیر این کلمه نیز دچار اشتباه شده اند. محمد بن عبدالوهاب در کتاب تنزیه الاعتقاد آورده است که خداوند دعا را عبادت نامیده و فرموده «ادعونی استجب لکم» بنابراین اگر کسی از پیامبر یا صالحی انجام چیزی را بخواهد و دعا کند در واقع عبادت او را کرده و مشرک است. در پاسخ باید گفت که دعا علاوه بر عبادت به معنای تقاضای حاجت یا فراخواندن چیزی نیز می باشد. بنابراین اگر کسی دیگری را تشفیع در درگاه الهی بداند و در عین حال خدا را مسبب الاسباب بداند، عین توحید است همانطور که بنی اسرائیل نزد حضرت موسی علیه السلام آمدند و از ایشان تقاضا کردند که خداوند برای آنان غذاهای متنوع بفرستد و یا اینکه برادران حضرت یوسف از پدر خود یعنی حضرت یعقوب طلب استغفار نمودند (یا ابانا استغفرلنا ذنوبنا) که همه این آیات شاهد بر این مطلب است که دعا و درخواست از دیگران با اعتقاد به اینکه قدرت و مشیت اصلی با خداوند است هیچ ایرادی ندارد و عین توحید است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

۴- بدعت

واژه بعدی که وهابیون در فهم آن گرفتار اشتباه شده اند بدعت است. چرا که آنان هر پدیده ی جدیدی را بدعت می دانند تا آنجا که دوچرخه را مرکب شیطان و نصب خطوط مخابرات را نیز بدعت می دانسته اند. ولی با پیشرفت تکنولوژی نهایتاً مجبور به تسلیم شدند و تنها مخالف بدعت های مذهبی هستند که اگر اینگونه باشد مسجد الحرام نیز مثل عصر پیامبر نیست و دارای دگرگونی های زیادی است حال چگونه آن بدعت نیست ولی ساخت حسینیه ها و برگزاری عزاداری و ... بدعت محسوب می شود؟ (فیض اللمی، ۱۳۸۹)



گفتار سوم: مقررات مربوط به حمایت از قربانیان در جنگ

براساس مقررات مربوط به جنگ در اسلام، تعرض به غیر نظامیان مگر در موارد دفاع مشروع ممنوع است. براساس مبانی فقهی غیرنظامیان خصوصاً کودکان، زنان، سالخوردگان و بیماران دارای حمایت ویژه‌ای هستند. براساس روایات موجود در کتب اهل سنت کشتن کودکان و زنان حرام است. به‌عنوان نمونه در مسند احمد آمده مالک بن انس عن نافع عن ابن عمر: ان النبی صلوات الله علیه رأی فی بعض مغزیه امراه مقتوله فانکر ذلک و نهی عن قتل النساء و الصبیان یا در روایتی دیگر آمده است: «اخبیرنا عاصم بن یوسف ... قال خرجنا مع رسول الله فی غزاه فظفرنا بالمشرکین فاسرع الناس فی القتل حتی قتلوا الذریه ... فقال النبی لا تقتلوا الذریه ثلاثاً». (مجلسی، ۱۴۱۰)

براساس روایت فوق پیامبر سه مرتبه فرمودند برحذر باشید از کشتن کودکان. شیخ طوسی می‌فرماید: اگر باغیان زنان و فرزندان خود را نزد حاکم اسلامی گرو بگذارند و بعد باغیان جنگ را شروع کنند حاکم نمی‌تواند به جای باغیان زنان و فرزندان آنان را بکشد از این عبارت فهمیده می‌شود که حتی اگر کفار نیز زنان و فرزندان خود را گروگان قرار دادند نمی‌توان آنان را به قتل رساند. البته این نکته قابل ذکر است که اگر کفار و دشمنان گروگان‌ها یا کودکان و زنان را وسیله دفاع خود قرار دهند از باب ضرورت ثانوی (به‌عنوان ترس) قتل آنان جایز است. صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: «ولو تترسوا بالنساء و الصبیان ... کف عنهم آلاً فی حال التحام الحرب جاز و ان استلزم قتل الترس خصوصاً اذا خیف من الکف عنهم الغلبه». براساس فتوای صاحب جواهر این امر یک امر استثناء و خلاف قاعده و فقط در موارد ضرورت (شکست جبهه اسلام و عدم دسترسی به دشمن مگر با قتل زنان و کودکانی که سپر دشمنان هستند) امکان‌پذیر است. ابن تیمیّه به نقل از صحیح بخاری آورده است که پیامبر به یاران خود در جنگ دستور می‌داد که کودکان را نکشید. همچنین پیامبر در زمان فرستادن لشکریان آن‌ها را دعا می‌فرمود و دستور می‌دادند که در جنگ کودکان، سالخوردگان و زنان را نکشید و درختان را قطع نکنید مگر در صورت اضطرار. بنابر روایات و کلام فقهای امامیه مشخص است که قتل غیر نظامیان خصوصاً کودکان، زنان و سالمندان مطلقاً جایز نیست مگر در موارد اضطراری. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

نکته بسیار مهم دیگر اینکه کشتن زنان (هر چند غیر مسلمان) که در درگیری نظامی شرکت دارند، ممنوع است. مرحوم علامه حلی می‌فرماید: لا یقتل النساء و ان عاون المشرکین آلاً مع الضروره سایر اعظام شیعیه از جمله شیخ طوسی، محقق حلی، قاضی ابن براج و ... تصریح کرده‌اند که قتل زنان جایز نیست حتی اگر در جنگ شرکت یا همکاری داشته باشند مگر در صورت ضرورت و حتی صاحب جواهر از سوی علامه نقل اجماع نموده است. مستند برخی فقها بر این مطلب روایت ابن عباس از پیامبر در جنگ خندق است که ایشان جنازه‌ی زنی را دیدند و به قاتل فرمودند چرا او را کشته‌ای؟ آن مسلمان جواب داد آن زن به من حمله کرد و با من درگیر شد. سپس پیامبر سخنی نگفتند و این سکوت نشانه مشروعیت این رفتار در موارد دفاع مشروع است بنابراین براساس روایات و فتاوی مذکور نه تنها قتل زنان غیرنظامی حرام است بلکه حتی قتل زانی که در جنگ حضور مؤثر دارند نیز جایز نیست، مگر در موارد ضرورت مثل دفاع مشروع. (حسینی، ۱۴۲۱)

حال چگونه و بر چه مبنای فقهی این گروه‌های افراطی به نام اسلام خشونت و ترور را بر ضد زنان و کودکان اعم از مسلمان و غیرمسلمان مرتکب می‌شوند. در مورد سالخوردگان که توان جسمی و فکری برای شرکت در جنگ را ندارند نیز همین حکم جاری است و تقریباً فقهای شیعه بر این امر اجماع دارند. برخی اهل سنت مثل مالکی و حنفیه با شیعه هم عقیده هستند ولی احمد بن حنبل چنین نظری ندارد و شافعی دو دیدگاه مطرح نموده است شیخ طوسی استفاده از سم بر ضد دشمن را حرام اعلام نموده است. بسیاری از فقهای دیگر امامیه نیز بر اساس حدیث سکونی از امام صادق که فرمودند: قال امیرالمؤمنین علیه السلام نهی رسول الله صلوات الله علیهم یلقى السم فی بلاد المشرکین. فقهای زیادی از جمله شیخ طوسی در الوسیله، ابن براج، ابن زهره، ابن ادریس بر این مطلب فتوا داده‌اند. در مقابل برخی فقها همچون شهید اول و ثانی به دلیل ایراد در سند روایت کراهت این حکم را استنباط نموده‌اند. (فیض اللهی، ۱۳۸۹)



به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق روایت سکونی استفاده از سموم شیمیایی در جنگ حرام است هر چند علیه نظامیان صورت گیرد. در مورد استفاده از مواد شیمیایی علیه شهروندان عادی بلاشک از منظر فقه مردود است و این امر با توجه به اطلاق روایت حتی در موارد ضرورت نیز نمی‌توان از سلاح‌های شیمیایی استفاده نمود، حال چگونه و طبق کدام مبنای فقهی برخی تروریست‌ها از جمله داعش در سوریه بر علیه مردم عادی و غیر نظامی از گاز خردل استفاده می‌کنند، و این اعمال افراطی را مرتکب می‌شوند؟! بر چه اساسی یک گروه ژاپنی که در مترو توکیو گاز سارین پخش کرده و بسیاری از غیر نظامیان را مسموم کردند؟؟

گفتار چهارم: بررسی حرمت عملیات‌های انتحاری

همانطور که بیان شد هر گونه کشتار و تعرض علیه غیرنظامیان میان در جنگ و غیر جنگ حرام است. اما ذکر خاص عملیات انتحاری که امروزه شایع شده است خالی از فایده نیست. عملیات‌های انتحاری که دارای سابقه تاریخی زیادی است از جمله اقدامات انتحاری هندی‌ها برای بیرون راندن غارتگران انگلیسی یا عملیات‌های انتحاری خلبانان ژاپنی در جنگ جهانی دوم علیه ناوهای آمریکا نمونه‌های تاریخی از این اقدام هستند. بنابر فقه شیعه همانطور که آمد غیر از وضعیت دفاعی اعم از شخصی یا دفاع از کیان اسلام و مسلمین هر گونه تعرض به غیر مسلمانان را در زمان غیبت حرام می‌دانند و روایات زیادی در باب حرمت تعرض به زنان و کودکان و غیر نظامیان ذکر شد. شیخ ناصر الدین الالبانی در پاسخ به عملیات انتحاری می‌گوید: نه تنها این امر ممنوع است بلکه هر گونه مقاومت در برابر دشمن بدون دستور خلیفه یا فرمانده نیز ممنوع است. شیخ عبدالعزیز آل شیخ مفتی عربستان می‌گوید خودکشی و یا عملیات انتحاری به هیچ وجه شرعی نیست و این کار جهاد در راه خدا محسوب نمی‌شود. آیت الله مکارم نیز می‌فرماید اگر عملیات انتحاری برای دفاع از خود باشد و هیچ راهی جز این امر نباشد جایز است. مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی نیز عملیات انتحاری را در صورت ضرورت و دفاع از اسلام و کشور جایز می‌داند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰)

تحلیل فقهی

همانطور که آمد هر گونه ترور و توسل به اعمال افراطی و خشونت‌آمیز از نظر فقهی مردود و غیرمشروع است مگر در موارد دفاع مشروع. از جمله دلایل این مطلب آیه شریفه «و لا تلقوا بایديکم الی التهلکة» و این آیه اطلاق دارد و با اطلاقش شامل خودکشی با هر انگیزه‌ای از جمله عملیات انتحاری دارد و اطلاق این ماده فقط در خصوص دفاع مشروع شاید تقیید بخورد. برخی برای جواز این عمل به سیره پیامبر یا حضرت علی تمسک نموده‌اند که ایشان با اینکه می‌دانست کشته می‌شود ولی در ليله المبيت در بستر پیامبر خوابیدند و یا اینکه در همه‌ی جنگ‌ها احتمال قوی وجود دارد که فرد کشته می‌شود حال تفاوت این با عملیات انتحاری چیست؟؟ در پاسخ باید گفت: نکته در همین مطلب است که احتمال قوی با علم و یقین به کشته شدن فرق دارد چرا که هیچ گاه شارع در جایی که احتمال قوی وجود دارد مثل جهاد... را نهی ننموده اما در جایی که فرد یقین دارد و با این حال خود را به کشتن می‌دهد قطعاً شمول آیه مذکور این عمل را نهی می‌نماید. از سوی دیگر همانطور که ذکر شد آسیب رساندن به اهداف غیر نظامی و افراد بی‌گناه، زنان و کودکان جایز نیست و این رفتار در مکان‌های عمومی هیچ گاه مصداق جهاد نیست و متأسفانه گروه‌های تکفیری و تروریستی معمولاً با همین شیوه در مکان‌های عمومی و شلوغ این رفتار خشن و غیرشرعی را انجام می‌دهند. بر فرض که افراد مورد حمله نیز لامذهب و کافر باشند نباید به این شکل مورد هدف قرار گیرند و مردم عادی و بی‌گناه نباید به خاک و خون کشیده شوند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

البته تحلیل بیان شده یک حکم اولی در اسلام است. در اینجا نکته‌ای وجود دارد که اگر قاعده ثانویه مثل اضطرار موجود باشد حکم قاعده‌ی اولیه دگرگون می‌شود. به طور مثال اکل گوشت خوک و سگ یا اکل میت به حکم اولی حرام است اما اگر شرایط اضطرار و حالتی پیش بیاید که اگر فرد گرسنه اکل میت نکند از گرسنگی جان می‌دهد اکل میت به میزان ضرورت جایز است. در مورد عملیات‌های انتحاری یا استشهادی نیز همین قاعده ثانوی می‌تواند جاری شود و اگر هیچ راهی برای دفاع مگر عملیات انتحاری نباشد و مسئله ضروری باشد می‌توان به جواز آن حکم داد. همانطور که آیات عظام لنکرانی، مکارم شیرازی و صانعی اینگونه فتوا داده‌اند. (حسینی، ۱۴۲۱)



گفتار پنجم: حرمت شرعی ترور

یکی از مسائل و مشکلات اساسی در امنیت بین المللی ترور و تروریسم است. رفتار گروه های جهادی و تکفیری در جوامع اسلامی و نیز عملکرد سایر اقدامات گروه های افراطی آیات و روایات زیادی در مورد حرمت ترور وجود دارد از جمله: «قل تعالوا آتل ما حرم ربکم... و لا تقتلوا النفس اللتی حرم الله الا بالحق و در آیه دیگری آمده است و لا تقتلوا النفس اللتی حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً». (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰)

در روایتی از وجود مبارک پیامبر نقل شده است که لایفتک المؤمن، الایمان قیدالفتک این روایت در کتب روایی شیعه و اهل سنت نقل شده است. شیخ طوسی نیز در تهذیب این روایت را نقل نموده در روایت دیگری ابوالصلاح کنانی از امام صادق از قتل همسایه اش که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام بدگویی می کند سؤال می کند که می تواند در کمین او بنشیند و او را بکشد؟ آن حضرت وی را از این کار نهی نمودند و آن حضرت استناد به کلام پیامبر یعنی ان الاسلام قید الفتک در نهی ترور کردند. در تاریخ نیز این روایت در عمل مورد استناد بوده است مثلاً هنگامی که فرار می شود حضرت مسلم بن عقیل هنگامی که ابن زیاد به عیادت یکی از یاران باوفای حضرت علی که مریض بوده است، بیاید، ابن زیاد را غافلگیر و به قتل برساند، حضرت مسلم از این کار سرباز زدند و به روایت مذکور در حرمت ترور و فتک استناد نمودند. بنابراین با توجه به آیات و روایات فوق هر گونه ترور افراد و غافلگیری آنان در قتل و کشتار هر چند آن شخص کافر و مهدورالدم باشد جایز نیست و نمی توان به استناد به اسلام و به اسم اسلام چنین اقدامات افراطی را علیه انسان های بی گناه به کار برد. با توجه به همین روایات حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در طی مبارزات انقلاب اسلامی با پرهیز از خشونت در عمل به هیچ تروری دستور ندادند و در تئوری نیز با اصل ترور مخالف بود و شرعاً این عمل را حرام می دانست چنانکه ایشان به صراحت در سخنرانی خود در سال ۱۳۵۸ اعلام نمودند که منطق اسلام ترور را باطل می داند. بنابراین ترور اقدامی ترس آفرین و رعب انگیز و خلاف تعالیم است. حتی در روایاتی علائم آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی را زیاد شدن ترور اعلام شده است. و اگر هم در سیره عملی پیامبر یا معصومین دستور قتل افرادی داده شده است اینها قتل پنهانی نبوده بلکه اجازه و اذنی آشکار از سوی آن حضرات بوده تا هر کس که می تواند افراد بدعت گذار و منحرف و یاغی را به قتل رسانده و به سزای اعمالشان برسند و به جامعه اسلامی نظم و امنیت بازگردد. همانطور که فتوای حضرت امام خمینی در ارتداد سلمان رشدی و وجوب قتل او هرگز دستور به ترور نیست بلکه ایشان به عنوان حاکم و ولی فقیه در مقام قضا مجازات سلمان رشدی را مشخص و بر مسلمین اجرای آن را الزامی دانسته اند و این با ماهیت ترور مخفیانه یا بمب گذاری که موجب کشتار بی گناهان و زنان و کودکان می شود تفاوت آشکار دارد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵)

گفتار ششم: تأثیرات تفکرات سید قطب در ظهور جریان های تکفیری

سید قطب در سال ۱۹۰۶ میلادی در روستای موشه از توابع استان اسیوط مصر به دنیا آمد. او که شاعر و نویسنده و منتقد ادبی بود در مبارزات و جریان های ضد استعماری نیز بسیار فعال بود و در جماعت اخوان المسلمین مصر عضو گردید و مبارزاتی نیز در این امر به صورت گسترده از طریق سخنرانی و نشر کتب انجام می داد و نهایتاً در سال ۱۹۶۶ پس از محاکمه، به اعدام محکوم شد. در مورد تفکرات وی این مسئله بارز است او پس از نوشتن کتابه های ادبی و شعر تبدیل به یک تئوریسین اسلامی گردید و تألیفات زیادی از جمله عدالت اجتماعی در اسلام، جنگ اسلام و سرمایه داری، اسلام و صلح جهانی و... را تألیف نمود. (حسینی، ۱۴۲۱)

اما متأسفانه افکار او با برخی گرایش های وهابی و تکفیری گره خورد و اندیشه های خطرناکی بروز داد. او معتقد بود که همه ی جوامع اسلامی کافر هستند؛ زیرا حاکمیت خدا را نادیده گرفته اند و قوانین و ارزشهای زمینی را داور و قانون قرار داده اند. وی حتی جامعه اسلامی را اصلاً مسلمان نمی دانست تا مرتد شوند و می گفت آنان از شهادتین معنایی درک نکرده اند. هر چند نمی توان به صراحت گفت که گروه های افراطی و تکفیری آراء خود را از شهید سید قطب گرفته اند ولی افکار وی تأثیر زیادی داشته است تأثیر آن و خصوصاً در جماعت اخوان المسلمین مصر و نیز گروه های جهادی افغانستان بارز است. وی به نوعی به



حرکت فکری وهابیت نوعی جنبش عملی و فیزیکی القاء نمود و می‌گفت مسلمانان باید برای جنگ با جهانیان آماده شوند تا آنان را مسلمان کنند. البته قابل ذکر است که او یکی از اندیشمندان بنیادگرا در جهان اسلام معاصر محسوب می‌شود و آراء زیادی و قابل توجهی در زمینه بیداری اسلامی و تحقق حاکمیت اسلام است اما این واقعیت هم وجود دارد که افکار و آراء او در برخی موارد افراطی و باعث تأثیر در شکل‌گیری و اعمال گروه‌های تکفیری، سلفی قرار گرفته است. (علیزاده، ۱۳۷۷)

گفتار هفتم: جرم انگاری اقدامات تروریستی

جرم انگاری تروریسم یا مفاهیم مشابه آن می‌تواند از مهمترین راهکارهای حقوقی برای مبارزه با تروریسم است. اکثر حقوقدانان اسلامی تروریسم را معادل فقهی محاربه می‌دانند و مجازات تروریست‌ها را تحت عنوان محاربه قابل پیگیری می‌دانند. محقق حلی در تعریف محاربه آورده است هر کس به قصد ترساندن مردم و سلب امنیت اسلحه بکشد... مرحوم کاشف العظماء با ارائه تعریفی بهتر نسبت به سایر تعاریف قید عدواناً و ظلماً آورده و می‌فرماید: المحارب من جرد السلاح لاختافه الناس ظلماً و عدواناً. در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران نیز مقابله با تروریست و اقدامات تروریستی تحت عنوان محاربه یا بقی قابل مجازات است. طبق قانون مجازات اسلامی محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان و مال یا ناموس مردم یا ارباب آنان. براساس ماده ۲۸۲ نیز مجازات محارب به تبع فقه امامیه اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد است. همچنین براساس این قانون گروهی که در برابر نظام اسلامی قیام مسلحانه کند باغی محسوب شده و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌شوند. از سوی دیگر قانون مجازات با ارائه یک معیار کلی در ماده ۲۸۶ ق.م.ا بیان می‌دارد که هر نوع جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، علیه امنیت کشور، احراق تخریب یا پخش مواد میکروبی و سمی به صورت گسترده به گونه‌ای که در نظم کشور خلل عمده یا باعث ناامنی گسترده شود محارب محسوب شده و به اعدام محکوم می‌شود. (حسینی، ۱۴۲۱) این معیار کلی و نوعی در سایر قوانین و مقررات خاص دیگر از جمله قانون تشدید مجازات مرتکبین کلاهبرداری و ارتشا و ... دیده می‌شود. به عبارت دیگر قانون گذار ایران هر گونه جرمی را سبب ایجاد لطمه بزرگ غیرقابل جبران در نظام اقتصادی، امنیت کشور و بهداشت و نظم عمومی شود را تحت عنوان محاربه قابل مجازات می‌داند.

بحث و نتیجه‌گیری

اسلام اصیل که دین رحمت و مهربانی است، کاربرد خشونت را مگر در موارد استثناء جایز نمی‌داند. اساساً خشونت یعنی رفتار غیر منطقی و غیر قانونی بر دیگران و ایجاد لطمه به آنان در اسلام حرام است مطابق مقررات اسلام اعمال رفتارهای تن و خشن در موارد ضروری و در غالب جهاد و احکام جزایی امکان‌پذیر است. براساس آیات و روایات و همچنین منابع فقهی امامیه و اهل سنت هر گونه اقدام تروریستی و افراطی علیه دیگران حتی کفار و غیرمسلمین جایز نیست و به خاک و خون کشیدن انسان‌های بی‌گناه، بمب‌گذاری و عملیات‌های انتحاری کور علیه افراد عادی جامعه ممنوع و حرمت آن مورد اتفاق فقهای اسلام است رفتارهای جبران‌های تکفیری و تروریستی در عصر حاضر خصوصاً داعش و القاعده و ... علیه مسلمین و غیرمسلمین و کشتار وحشیانه زنان و کودکان بی‌گناه نه تنها با منطق اسلام سازگاری ندارد بلکه شدیداً مورد نهی و حرمت قرار گرفته است. اگر این گروه‌های افراطی و تروریستی با مراجعه به اسلام اصیل و دورانداختن هر گونه تعصب و کج فهمی و ظاهر نگری رفتار خود را ارزیابی کنند خواهند فهمید که هیچ‌گاه اسلام این رفتارها را مشروع نمی‌داند و چهره‌ی اصیل اسلام یعنی رحمانیت و مهربانی بر همه جهانیان آشکار می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد حقیر به مسئولین مربوطه این است با توجه به آمار بالای انواع خشونت در میان زوج‌ها، به خصوص زوج‌هایی که تحصیلات کمتری دارند این است تربیتی اتخاذ نمایند به صورت اجباری آموزش‌ها و مشاوره‌هایی با کیفیت در قبل و بعد از ازدواج با تعداد ساعت طولانی انجام شود تا این معضل زشت که باعث صدمات روحی و روانی زیادی در خانواده‌ها می‌شود تقلیل پیدا کند.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری و حقوقی پزشکی فرزندی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



برگزاری میزگرد و کارگاه‌های آموزشی
آموزش همگانی درباره آثار و عوارض سوء رفتار با همسر
فرهنگ‌سازی عمومی درباره برخورد مناسب همسران با هم
تقویت نهاد مددکاری اجتماعی و مشاوره قضایی در کنار دادگاه‌های خانواده
ارائه خدمات به قربانیان خشونت و آشناسازی جوانان با جایگاه زن در اسلام

منابع

۱. احمد بن حنبل، مسنداحمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ه. ق.
۲. امام زین العابدین، علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، قم: مدرسه امام مهدی، ۱۳۷۵/
۳. آلوسی، محمود البغدادی، روح المعانی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح بخاری، بیروت: دارالذکر.
۵. بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه، تهران: فرهنگ سبز، چاپ اول ۱۴۲۹ ه. ق.
۶. بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۶ ه. ق.
۷. الترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۸. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت، بیروت: دارالثقلین، چاپ اول ۱۴۱۹ ه. ق.
۹. حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، قم: آل البیت ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۰. حسینی، سید محمد حسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۱. حلبی، ابن زهره، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۲. حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه. ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام علی مذهب الامامیه، مشهد: آل البیت، ۱۴۱۰ ه. ق.
۱۴. حلی، حسین، دلیل عروه الوثقی، نجف: مطبعه النجف، چاپ اول ۱۳۷۹ ه. ق.
۱۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۶. دارمی، عبدالله، سنن الدارمی، دمشق: مطبعه الحدیثه، ۱۴۰۶ ه. ق.
۱۷. دلاوری، رضا، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین الملل، قم: انتشارات دلاوری، ۱۳۸۷/
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳
۱۹. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت، قم: انتشارات اسلامی، چاپ سیزدهم، پاییز ۱۳۸۸/
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۲۱. شیخ انصاری، مرتضی، کتاب الطهاره، قم: کنگره جهانی شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ه. ق.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران: مکتبه الرضویه لاحیاء آثار الجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۷/
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، الجمل و العقود فی العبارات، ترجمه محمد واعظ زاده مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ اول، ۱۳۸۷/
۲۴. عاملی، محمد بن مکی (معروف به شهید اول)، لمعه دمشقیه، بیروت: دارالتراث الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه. ق.
۲۵. عراقی، عبدالنبی، المعالم الزلفی فی شرح عروه الوثقی، قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ ه. ق.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه. ق.
۲۷. عزیزاده، حسین، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۷/
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم: مؤسسه مطبوعاتی امیر سال ۱۳۸۰
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ه. ق.
۳۰. فیض اللهی، روح الله، نقد و بررسی ترور در قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۸۹/



دانشگاه آزاد اسلامی مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت‌های حقوقی پزشکی فراروی آنس

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



۳۱. قاضی ابن براج، طرابلسی، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۳۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳۶. هاشمی، سیدحسین، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ۱۳۹۰



Criticism of the Fundamentals of Extremism & Violence From the Perspective of Islamic Jurisprudence

Ayda Tanhaei Dilmaghanei

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
(Corresponding Author)

Aydatanhaei1360@gmail.com

Yuones Jabraili

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Yuones.jabraili.1360.yuones@gmail.com

Abstract

One of the most important entertainment phenomena in recent years are computer games, which have opened their place among children and teenagers at an increasing speed, and with the use of new technologies, they become more and more connected with the lives of users every day. are intertwined The most important point discussed about these games is their violent content, which can deeply affect users and cause abnormal external reflections. Of course, the relationship between the display of violence and people's behavior has not been definitively proven, and this has caused the manufacturing companies to produce these games more and more. Therefore, researchers should provide the necessary scientific and legal proposals in this field by examining the impact of such violence on young people. The research results can be effective in the production and development of computer games. Violence and extremism has taken on a new face with the emergence of terrorist and takfiri groups. Today, takfiri groups such as al-Qaeda and ISIS, in the name of Islam, kill people, men and women, old and young, and children, and perform the most barbaric behavior towards them. According to the sources of Islamic narratives, as well as the authentic fatwas of Imamiyyah and Sunni jurisprudence, any acts of violence, killing, and terror against Muslims, and even infidels, are prohibited, and Muslims are excommunicated solely on the basis of probability and conjecture, and as a result, killing them on this basis, from the point of view of Islam. It is illegitimate. According to the traditions indicating the sanctity of killing and assassination, any terrorist act and bombing and killing of innocents will be forbidden and will bring punishment in the hereafter and worldly.

Keywords: Terrorism, Extremism & Violence, Legal Foundations, Computer Game, Aggression, Violence, Computer, Child, Juvenile